



به عنوان عضوی از نسل سوم انقلاب وقتی دیدم که مردم چگونه از دکتر سحابی به نیکی یاد می‌کنند و شنیدم که چگونه به پاسداشت او که نه قدرتی داشت و نه ثروتی، آزادانه و از سر اختیار در مراسم تشییع او شرکت کردند، از پیرمرد دانایی پرسیدم: «رازمندگاری مردان بزرگ چیست؟» از او پرسیدم که چگونه می‌توان همچون انسانهای ماندگار تاریخ ، محبوب قلبهای پاک و آگاه این مردم شد؟ می‌دانستم که این قلبهای پاک و آگاه هرگز راه را به اشتباه نمی‌روند اما نمی‌دانستم چگونه می‌توان به این دل‌های بی‌غش و بخرد راه یافت ؟ می‌خواستم پاسخی بیابم ؛ سالخورده تجربت اندیش اینگونه آغاز کرد:

«به چشم خودم سه دوره را دیدم و از نزدیک لمس نمودم؛ سه دوره اجتماعی- تاریخی را، پسرم. اولین دوره زمانی بود که عشایر بودیم . خانه به دوش و کوچرو؛ بیلاق و قشلاق می‌کردیم . آن زمان ، زمانه زور بود. زمانه چماق های‌بزرگ و تفنگ های خوش دست ! هرکه بزَن بهادرت‌تر بود، همه کاره‌تر بود. دوره تفنگ‌چی های زیل و چماق به دست‌های قدر قدرت بود . هرکه زودتر تفنگ می‌کشید، برنده بازی بود. حرف اول و آخر را زور می‌گفت ؛ منطقی در کار نبود. هر چه بود، زور بازو و درشتی زبان و قطر سرچماق بود. اگر کسی هم می‌خواست مال و منالی داشته باشد چاره‌ای جز چرب کردن سبیل این قلدران نداشت . خلاصه دورانی بودکه در آن خشونت بیشتر همیشه پیروز بود. «قدرت برتر» صاحب ثروت و داور بود. صدالبته که دراین دوران هرکسی‌می‌خواست به دفاع از حقی برخیزد جز عمل به همان سباق دیگری نداشت یعنی‌برای دفاع از حق پایمال شده نیز تنها راه چاره، تفنگ بود در برابر تفنگ ! چماق بود در برابر چماق ! دراین دوره قهرمانان ، کسانی بودند که خواب و خوراک و همسر را برخود حرام کرده و توبره بردوش و تفنگ به دست به کوه و کمر می‌زدند تا تقاص ظلمی را از ظالمی بگیرند.اینان محبوب قلبهای مردم بودند، از جان گذشته‌هایی که گرچه خشونت می‌ورزیدند در قلبهای پاک مردم جای داشتند. اما دومین دوره، زمانی بود که روستائین شدیم ؛باخانه‌های کاه‌گلی و مزارع پدر بهره !

یکجانشین شدیم ؛ کوچ را رها کردیم . به یکباره همه چیز عوض شد؛ زمانه نیز!این دفعه همه چیز در «زر» خلاصه می‌شد. زمانه ، زمانه «ثروت» شد. زمانه چرتکه‌اندازان و دوره‌گردهای بورژوا مسلک! هرکه زمین بیشتر داشت و گله، رمه بیشتر ، همه کاره‌تر بود. قدرت از آن کسانی بود که اکثر خلائق را بدهکار بنجل‌های خود نموده بودند؛ زمینداران بزرگ ، دکانداران گردن کلفت و بازاریان معامله‌گر!کافی بود که چند تفنگ دار یقه دریده را هم اجیر کنند ، می‌شدند مالک کس و ناکس ! صاحب آب و

پیرمرد دانا می‌گفت و چه درست می‌گفت! !امروزه رازماندگاری و محبوبیت انسان‌هایی همچون زنده یادسحابی معرفت اندیشی آنها در کنار تعهد راستین‌شان به اصول برآمده از علم و ایمان عمیق‌شان است

زمین در دهات و کرسی و مدیریت در شهر! دورانی که «ثروت» حرف اول را می‌زد و صاحب قدرت و داور پلامنازع به شمار می‌رفت . در آن دوران قهرمانان ، مخالفان جان برکف استعمار بودند. انقلابیونی که جز به عدالت به چیزی نمی‌اندیشیدند. کسانی که از خود می‌گذاشتند تا زمین از آن وارثین اصلی آن گردد. کسانی‌که تمام هم و غم‌شان تقسیم عادلانه ثروت در جامعه بود. جامعه بی‌طبقه می‌خواستند ؛ جامعه‌ای بدون فقیر؛ جامعه‌ای همه غنی؛ کسانی که یا به‌دست ثروت و قدرت عجین شده با تزویر به هلاکت می‌رسیدند یا در زندان‌هایشان می‌پوسیدند. راز محبوبیت آنها مخالفت با ملت شوم زر و زور و تزویر زمانه بود.در آن دوران نیز چنین کسانی به قلبهای پاک این مردم راه می‌یافتند و در دل‌هایشان جا داشتند. اما پسرم ما آن قدر زنده ماندیم که دوره سوم نیز از راه رسید. درست است که ما در دوره «قدرت انحصارطلب » زاده شدیم و در دوره «ثروت تمامیت‌خواه»آبدیده شدیم و موهای سرمان را در این دوره جدید سپید کردیم ؛ اما دوره جدید ، دوره «معرفت» بود. حقیقتا هم باید این طور می‌شد. زمانه، زمانه در رسیدن «معرفت» و بر کرسی نشستن آن بود. وقتی شهرنشینی آغاز می‌گردد و قانون متولد می‌شود ، دیگر جایبری برای قدرت فرعونی، ثروت قارونی و شیظنت‌های بلعم باعوری وجود ندارد. دیگر دوره، دوره «معرفت» و «دانش» است. دوره «آزادی»، «مردم سالاری» و «عدالت» است. اگر قدرت و ثروت در پرتوی شیظنت‌های تمامت‌خواهانه باری از «تکلیف»را بر دوش بردگان و رعیت زادگان هموار می‌کند، «معرفت» در کلام نخست از «حقوق» مسلم آنها سخن می‌گوید:(حق آزادی عقیده، آزادی اندیشه، آزادی‌بیان و پس از بیان ، آزادی انتخاب کار، انتخاب همسر ، حق تعیین سرنوشت خود، حق فعالیت سیاسی و انتخاب آزادانه و

رازماندگاری یدالله سحابی

اشاره :

امروزه دیگر یدالله سحابی درمیان مانیست ؛ اگر چه در اندیشه انسانهای منصف و در قلب‌های پاک و آگاه این دیار فراموش ناشدنی است ، آنچه می‌بایست از یاد نبریم مردان و زنان بزرگی هستند که مسلمانند، ایرانی‌اند، معرفت اندیش‌اند، متعهدند و زنده‌اند؛ اینان سرمایه‌های بزرگ معنوی و مادی این سرزمین هستند؛ سرمایه‌هایی که زنده و در دسترس‌اند؛ تا دیر نشده زندگان را دریابیم .

سرزمین و تاریخ ایران ،مردان و زنان بزرگی را در دل خود پرورانیده است که قطعا مرحوم یدالله سحابی یکی از چهره های تابناک این سرزمین بر تارک تاریخ علم ،سیاست ، و دین ورزی جاودانه خواهد ماند.

امیدواریم گفتار حاضر گوشه‌هایی از شخصیت مرحوم یدالله سحابی را برای نسل های جدید بازگو و روشن سازد.

غیرگزینشی دولت و حاکمیت، تشکیل انجمن‌های صنفی، تحصیل رایگان ،برخورداری از بهداشت و خدمات درمانی و… در این دوره قهرمانان واقعی «معرفت‌اندیشان» هستند؛ دانش‌اندوزان متعهدی که در راه تحقق این حقوق انسانی در جامعه تلاش می‌کنند. در این دوره هیچ تفنگ بدستی به قلب‌ها راه نمی‌یابد، همینطور هیچ مخالفی به صرف مخالفت کردن با قدرت و ثروت در جامعه محبوب دل‌ها نمی‌گردد. صاحبان قلب‌های پاک و آگاه در این زمانه، معرفت‌اندیشان متعهد و راستین جامعه‌اند که با آزادی از آزادی دفاع



می‌کنند، با منطق از خشونت نهی می‌نمایند و با بردباری‌بذر مردم سالاری می‌پراکنند. با جدیت و در عمل ،عدالت‌پیشه ساخته و امر به عدالت می‌نمایند و برسر این اصول باهیچ قدرتی معامله نمی‌کنند. نه حقیقت را به پای مصلحت ذبح می‌کنند و نه مصلحت مردم را به پای منفعت خویش می‌میرانند. دینداران متعهد و پیروان راستین علی(ع) ، مدافعان حقوق مردم و مبارزان مخلص این مسیر، راه یافتگان به دل‌های بی‌غش و بخرد مردم‌اند؛ درست مثل دکتر یدالله سحابی…

پیرمرد دانا می‌گفت و چه درست می‌گفت! !امروزه رازماندگاری و محبوبیت انسان‌هایی همچون زنده یادسحابی ، معرفت اندیشی آنها در کنار تعهد راستین شان به اصول برآمده از علم و ایمان عمیق‌شان است ؛ایمان به دینی‌که آموزه‌هایی سراسر مهر و محبت و صلح و مدارا دارد و براساس حق الله (اعتقاد به خداوند هستی بخش و ستایش او به‌عنوان محور همه کائنات) و حق الناس (حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها و لزوم گردن نهادن به حقوق آدمیان) پایه ریزی‌شده است و عالم به دانشی که متشکل از آموزه‌هایی در جهت توزیع عادلانه قدرت (با تحقق مردم سالاری)،

توزیع عادلانه ثروت (با تحقق عدالت اجتماعی) ، تأمین رفاه، سلامت، برخورداری و امنیت در جامعه (باتحقق توسعه همه جانبه و متوازن) می‌باشد. با این حال برای تأیید سخنان سالخورده عاقل نگاه‌به کارنامه زندگی چنین انسان‌های بزرگی نیز لازم بود.

همان کاری که در مورد زنده یاد سحابی به راحتی می‌توانستیم انجام بدهم. کافی بود تاریخ معاصر این مرز و بوم را تورتی‌کنم تا به آن کارنامه حقیقتا نایاب و درخشان دست یابم.

کارنامه زندگی دکتر یدالله سحابی

۱- ایمانی ژرف و عمیق به مغز دین
۲- تجهیز خویشتن به علم و خرد و آخرین دستاوردهای اندیشه معاصر
الف) سحابی ؛ ایرانی مسلمان
-خودساختگی-ساده زیستی-مردم دوستی-نیکوپنداری

-تالیف کتاب «خلقت انسان در دیدگاه قرآن»
-معلمی و تدریس در دانشگاه و کسب لقب پدرزمین شناسی ایران
-تاسیس دبیرستانهای کمال و کوثر
-تاسیس نهضت آزادی ایران با همراهی مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی
- تاسیس شرکت سهامی‌انتشار (نشر آثار و کتب فراوان روشنفکری)
-انتشار کتاب «سنگ‌شناسی» با همکاری سیروس زرعیان
-انتشار کتاب «زمین شناسی عمومی»
-تشکیل جمعیت ایرانی‌دفاع از حقوق بشر
ج) مبانی اندیشه سیاسی
-تعهدبه اصول عدم خشونت در تمام دوران زندگی
-مبارزه برای تحقق آزادی در جامعه
-تلاش برای حصول «حق محوری» «عدالت پیشگی» در کشور
-پیگیری برای‌نهادینه شدن مردم سالاری و نقد مداوم قدرت به عنوان امر به معروف و نهی از منکر تا آخرین لحظات عمر «جوهره اندیشه اصلاح‌طلبی درایران معاصر»

دکتر مهدی غفاری

یدالله سحابی به روایت

لطف الله میثمی
جایگاه و نقش مرحوم سحابی در روشنفکری دینی را بیان کنید.
بعد از کودتای ۲۸مرداد جوانان نسبت به دینداران بدبین شده بودند، چرا که برخی از محافل آگاهانه یا غیرآگاهانه با کودتا همکاری داشتند، اینها از این که در دانشگاه دکتر سحابی و بازرگان آمدند عنصر دینداری را با علم و و سیاست پیوند زدند و

علم نواندیشی دینی را برافراشتند، یعنی آن دوره فضایی بود که اگر کسی موضعی در برابر کودتای ۲۸ مرداد نداشت حرفش خریدار نداشت چرا که قاطبه مردم ، کودتای ۲۸ مرداد را نپذیرفتند. شرایطی بودکه همه اینها با کودتا مخالف بودند و هم دیندار بودند. آقای سحابی به‌طور خاص پدربومی کردن دانش تکامل در ایران بود و یکی از مولفه‌های رنسانس در قرن حاضر بود. ایشان



این تکامل را با اعتقادات دینی‌که داشتند تبیین کرد و اشکالاتش را هم برطرف کرد و کتاب «خلقت انسان» را نوشت . این کتاب بسیاری از مشکلات نسل جوان و متفکر را پاسخ می‌داد و نقش زیادی در پرورش بنیانگذاران مجاهدین در جریان های سیاسی - دینی داشت . به طوری که مرحوم حنیف نژاد که جزو بنیانگذاران مجاهدین بود، یکی از مولفه‌های آموزشی خود را این کتاب قرار داد و بر دستاوردها تاکید فراوانی داشت.

در مورد خصوصیات شخصی مرحوم سحابی توضیح دهید.

سحابی مظهر فروتنی و بی‌زیایی بود مرد خدا و عاشق مردم بود همه نیروهای ایران، مذهبی‌های مختلف و ملیون مختلف صداقت او را قبول داشتند و سلامت نفس او را می‌شناختند.

علامه طباطبایی که به ملاقات وی‌رفته بود در باره سحابی گفت من لذت می‌برم تو را می‌بینم یا مرحوم طالقانی می‌گفت من تمام شب زنده‌داری‌های حوزه علمیه نجف و قم را دیدم ولی هیچکس را به اندازه سحابی متعبد و شب زنده‌دار ندیدم.

همانطور که تاریخ معاصر گواهی می‌دهد مرحوم سحابی از نظر علوم دانشگاهی پدر زمین شناسی ایران بودو از نظر سیاست هم ایستادگی و مقاومت او شناخته شده بود.

مرحوم سحابی زندان را ترجیح داد و از نظر سیاسی عاقبت به‌خیر شد. زیرا انسان پاک‌نیت و درست کرداری بود، خدایش رحمت کند.

یدالله سحابی از منظر دکتر ثقفی

باتوجه به تحولات سیاسی و فکری در یک صد ساله اخیر ایران ، نقش دکتر سحابی را در تحولات سیاسی و روشنفکری دینی‌بیان کنید.

به نظر بنده ریشه‌های مرحوم یدالله سحابی‌وهمراهان او با بازرگان و طالقانی‌به تحولات بعد ازمشروطه وتاثیر از اندیشه‌های علامه ناینینی‌بازمی‌گردد. و روندی‌که سحابی‌در آن قرار داشت خاستگاه اندیشه‌های ارتباط تنگاتنگی با تحولات علمی‌سده‌های نوزده و بیستم دارد. مرحوم سحابی با درک عمیق از جایگاه علم و دانش در تحولات تاریخی و اجتماعی تلاش می‌کرد تا تحولات نوین را با جامعه سنتی و غیرعلمی نزدیک کند و پیوند دهد.

اگر بخواهیم جریان‌ها و عناصر تاثیرگذار بر مرحوم سحابی رابرشماریم، باید به علامه ناینینی،آیت الله حسن مدرس، دکتر محمد مصدق و نگرش‌های علمی و دانشگاهی مدرن توجه خاصی نشان دهیم،زیرا سحابی‌در طول حیات تئوری واجتماعی‌خود از آنان الهام می‌گرفت و با درآمیختن این عناصر به ترکیب جدیدی از روشنگری دینی دست یافت و موسس

کسانی که از خود می‌گذشتند

تازمین از آن وارثین اصلی آن گردد.

کسانی که تمام هم و غم‌شان تقسیم عادلانه

ثروت در جامعه بود. جامعه بی‌طبقه

می‌خواستند ؛ جامعه‌ای بدون فقیر؛ جامعه‌ای

همه غنی؛ کسانی که یا به دست ثروت و

قدرت عجین شده با تزویر به هلاکت

می‌رسیدند یا در زندان‌هایشان می‌پوسیدند

حرکت نوینی‌شد.

سهم مرحوم سحابی را در پیروزی انقلاب چگونه می‌بینید؟

تردیدنی‌نیست که مرحوم یدالله سحابی‌از جمله عناصر برجسته در تحقق پیروزی انقلاب به حساب می‌آید. دلیل آشکار آن هم گزینش شایسته بازرگان و دولت موقت از سوی‌امام(ره) می‌باشد. از آنجایی‌که مرحوم سحابی به مبارزات آگاهانه و عمیق و مبتنی بر رویکرد اصلاحی اعتقاد داشت، شرایط آن دوره با مشی‌اصلاحی سحابی انطباق نداشت، به طوری‌که بر اثر تجربه دو دهه از انقلاب و شناخت مردم ایران با هضم روند اصلاحی آن را در منش و روش خاتمی‌بازتولید کردند. از این رو سحابی پدر و پیشگام اصلاحات در ایران محسوب می‌گردد و صبر و استقامت او براین واقعیت مهر تأیید می‌گذارد.

باتوجه به فعالیت گروه‌ها و احزاب در چهل ساله اخیر از دیدگاه تطبیقی جایگاه مرحوم یدالله سحابی در آن چگونه است

مرحوم یدالله سحابی به جهت آنکه روح زمانه خود را درک کرده بود بر اثر توفانها و امواج زودگذرسیاسی، متلاطم نمی‌گشت . او به دلیل بن‌مایه‌های فکری، علمی و باورهای دینی و تلفیق آن دو در جانش همواره انصاف و حقیقت را سرلوحه مبارزات خود قرار داده بود. به همین جهت مرحوم سحابی‌کمتر دستخوش افراط و تفریط و زودبندهای جناحی شدند و با آن که انتقادات زیادی‌را می‌شنیداما به سعه صدر پذیرا می‌شد. به نظر بنده مرحوم سحابی و یارانش چهل سال پیش حرکتی را شروع کردند که نیاز به آگاهی و پختگی جامعه داشت ، چنانچه پس از فرازو نشیب‌های زیادی‌تمامی گرایش های سیاسی از آنان به نیکی یاد می‌کنند.